ورزشی
پرونده
بررسی فرصت تعویق جام‌ملت‌های آسیا برای فوتبال ایران

وعده تغییر نسل تیم‌ملی و چگونگی تحقق آن در گفت‌وگوی «جوان» با مدیرروستا، کارشناس فوتبال

ملی‌پوشان ۳۲ سال به بالا فکر خداحافظی باشند

گفت‌وگو
شیوا نوروزی

چالش‌های تیم‌ملی فوتبال ایران به قوت خود باقی است و فدراسیون بر ادامه همکاری با امیر قلعه‌نویی تأکید دارد. جام ملت‌های آسیا مهم‌ترین رویداد پیش‌روی تیم‌ملی بود، اما شرایط منطقه راهی جز تعویق مسابقات برای کنفدراسیون آسیا باقی نگذاشت. حال که قرار بر ادامه حضور کادر فنی فعلی در تیم‌ملی است و با توجه به فرصت یک‌ساله پیش‌آمده، همه منتظر عملی شدن قول سرمربی در خصوص جوانگرایی و تغییر نسل هستند. در سال‌های گذشته تیم کشورمان در رویدادهای مهم آسیایی و جهانی همواره لقب پیرترین تیم را یدک کشیده و آمدن قلعه‌نویی و وعده‌هایی که او در مورد ورود بازیکنان جوان داد نیز تغییری در این مسئله ایجاد نکرد. تأکید بیش از حد سرمربی در استفاده از بازیکنان پا به سن گذاشته و تقابل با منتقدان شرایط را پیچیده‌تر کرده است. فدراسیون بعد از رسمی شدن تعویق جام ملت‌ها، دوباره وعده جوانگرایی را مطرح و روی آن تأکید کرد. مطرح شدن این موضوع و حساسیت بحث تغییر نسل بهانه‌ای شد برای اینکه سراغ علی‌اصغر مدیرروستا برویم و نقطه نظرات این کارشناس و مربی فوتبال را جویا شویم.



جام ملت‌های آسیا به یک سال به تعویق افتاده است. این تعویق به سود تیم ایران و رقباست یا به ضرر؟

تقویم مسابقات از قبل مشخص شده بود و طبیعتاً همه تیم‌ها و رقبا برای حضور موفق در این تورنمنت برنامه‌ریزی داشتند. با تصمیم ای‌اف‌سی و تعویق افتادن جام ملت‌ها، تیم‌ها از این مسئله متضرر خواهند شد و برنامه‌ریزی‌هایشان دستخوش تغییرات اجباری خواهد شد، اما این تعویق یک‌ساله برای تیم‌هایی مثل ایران که نیاز به تغییر نسل و جوانگرایی دارند فرصت مناسبی است تا برنامه‌هایشان را اجرایی کنند. با این حال به این نکته توجه داشته باشید که لیگ برتر ما لیگ پویایی نیست! باید همه تمرکز و توجه‌مان را به لیگ معطوف کنیم تا بتوانیم بازیکن توانمند تولید کنیم. خصوصاً اینکه تیم‌های پایه به توجه ویژه نیاز دارند. این یک سال فرصت رفع نواقص را برای فوتبال ایران فراهم می‌کند تا برای آینده و جام جهانی بعدی تیمی باتجربه و جوان داشته باشیم.

جوان‌گرایی تیم‌ملی چگونه و از کجا باید آغاز شود؟

بحث اصلی جوانگرایی به لیگ‌مان مربوط می‌شود. در فوتبال ایران به بازیکن ۲۴ - ۲۵ ساله جوان گفته می‌شود در حالی که در فوتبال روز دنیا سن بازیکن جوان به ۲۰ - ۲۱ ساله کاهش یافته است. برای آغاز جوانگرایی باید با در نظر گرفتن برنامه‌ای مشخص بحث تولید بازیکن را در دستور کار قرار دهیم تا این بازیکنان بتوانند به فوتبال ملی کمک کنند. معتقدم شرایطی را باید فراهم کرد تا برای جام ملت‌های آسیا میانگین سنی تیم به ۲۴ - ۲۵ سال برسد.

کادر فنی تیم‌ملی چطور باید از بازیکنان مستعد جوان بهره بگیرد؟ آیا شاکله اصلی تیم به یک‌باره باید دگرگون شود؟

به نظر من ملی‌پوشانی که از سن ۳۲ سال عبور کرده‌اند باید خودشان به فکر خداحافظی از تیم‌ملی باشند. تعدادی از ملی‌پوشان چندین سال است در خدمت تیم‌ملی هستند و زحمت می‌کشند. شرایط در یک سال آینده مهیاست برای اینکه بتوانیم بازیکنان جوان را جایگزین بازیکنان قدیمی کنیم تا در آینده تیم‌ملی بتواند با آنها به راهش ادامه دهد. نکته اینجاست که از بازیکنان جوان ۲۰ تا ۲۲ سال استفاده شود و روی پرورش آنها کار کنیم. مطمئناً جوانگرایی و تغییر نسل کار سختی است؛ ضمن اینکه تعداد جوانان مستعد در فوتبال ما کم است و به‌هر صورت باید با همین نیروها کار را پیش برد. توجه و برنامه‌ریزی باید روی بازیکنان واقعاً مستعد باشد نه بازیکنانی که روی اسم‌شان مانور داده می‌شود و تبلیغات می‌کنند. چند بازیکن جوان را دیدیم که در تیم امید هم بازی کردند، با تیم‌های بزرگ لیگ هم قرارداد بستند و دستمزدهای عجیب و غریب هم دریافت می‌کنند. ولی در اصل کارایی‌شان در حد یک بازیکن بسیار معمولی است. متأسفانه تبلیغات رسانه‌ای تنها باعث افزایش نجومی دستمزدهایشان شده. باید روی جوانانی سرمایه‌گذاری کرد که مستعد هستند نه طبل توخالی.

گفته می‌شود لیگ برتر ایران عاری از جوانان مستعد و آینده‌دار است. به همین خاطر امکان جوانگرایی وجود ندارد.

با هر شرایطی که داشته باشیم بالاخره این اتفاق باید رخ دهد و کار از یک جا شروع شود. بازیکن ۳۷ ساله که نمی‌تواند تا ۴۵ سالگی برای تیم‌ملی بازی کند. به‌هرحال فدراسیون باید فکری به حال این موضوع کند و برنامه‌ریزی فدراسیون و نظارت روی تیم‌های پایه در مسئله تغییر نسل و جوانگرایی بسیار مهم است. متأسفانه در تیم‌های پایه آنقدر فساد و زدوبند وجود دارد که بازیکنان مستعد کمتر به رده‌های پایه می‌رسند. بساط این فسادها و زدوبندها اگر برچیده شود می‌توان روی کمک تیم‌های پایه هم حساب کرد.

علت پافشاری سرمربی تیم‌ملی روی استفاده از بازیکنان مسن و عدم تغییر شاکله اصلی تیم‌ملی چیست؟

نتیجه‌گرایی و نداشتن شجاعت لازم موجب شده تا کمترین تغییر را در ترکیب تیم‌ملی شاهد باشیم. کادر فنی یک سال فرصت دارد و با برنامه‌ریزی لازم می‌توانیم شاهد ورود نسل جدید و عملکرد بهتر از تیم‌ملی باشیم.

ارزیابی شما از شرایط فعلی تیم‌ملی فوتبال ایران چیست؟

بعد از جام جهانی ۲۰۲۶ تیم‌ملی در مسیر سقوط قرار گرفته و این مسئله‌ای جدی و نگران‌کننده برای فوتبال ایران است. نتایج و عملکرد تیم‌ملی کاملاً مشخص است و هواداران امیدی به تیم‌ملی فعلی ندارند. نگرانی‌ها زیاد است و با ادامه این روند نمی‌توانیم انتظار زیادی داشته باشیم. در آسیا دیگر فقط اسم ایران باقی مانده و اگر فکر چاره نباشیم به تیم‌های درجه دوم آسیا تبدیل خواهیم شد.

تثبیت جایگاه کادر فنی و ادامه همکاری فدراسیون با کادر فعلی تا جام ملت‌های آسیا چه تأثیری در آینده تیم‌ملی خواهد داشت؟

تصمیم فدراسیون بر ادامه همکاری با کادر فعلی بود و صلاح نیست خیلی به این مسئله بپردازیم. منتها همواره بحث تقویت کادر فنی مطرح بوده تا از نظر تاکتیکی و فنی پیشرفت کنیم. نه اینکه فقط شعار دهیم و حرف بزنیم. با گنده‌گویی وضعیت تیم‌ملی تغییر نخواهد کرد و باید در عمل تغییرات لازم را در کادر فنی و استفاده از دستیاران مجرب را شاهد باشیم. آقای قلعه‌نویی سرمربی تیم‌ملی ایران است و قراردادش هم مشخص است. ولی باید برای کمک کردن به خودش و تیم کشورمان فکری به حال دستیارانش کند. در زمان‌ها و شرایط حساس این دستیار است که می‌تواند کمک‌حال سرمربی باشد و نکاتی را ببیند که سرمربی در آن وضعیت نمی‌بیند. دستیار برای اینکه توانایی کمک کردن به تیم را داشته باشد باید در حد سرمربی یا حتی از سرمربی هم بالاتر باشد. در جام جهانی اخیر تعویض‌های اشتباه را دیدیم و کادر فنی هم به این مسئله اذعان داشتند. این موضوع نشان می‌دهد در لحظات حساس کمک لازم به سرمربی داشته نشده است.

نگاه
فریدون حسن

ژاپن معطل نماند ما حرف می‌زنیم

«هاجیمه موریاسو» نامی آشنا برای فوتبال‌دوستان در قاره کهن است. سرمربی موفق تیم ملی فوتبال ژاپن که چشم‌بادامی‌ها با او نتایجی را کسب کردند که جهان فوتبال بابت آنها انگشت حیرت به دهان گرفت. این مربی موفق قرار بود بعد از جام ملت‌های ۲۰۲۷ از جمع سامورایی‌ها خداحافظی کند، ولی ژاپنی‌ها وقتی متوجه شدند جام ملت‌های آسیا یک‌سال به تعویق افتاده معطل نماندند و بلافاصله برگه خداحافظی را دست جناب موریاسو دادند تا او با کوله‌باری از افتخار تیم‌ملی موفق ژاپن را تحویل جانشین جوان خود، یعنی «گو اوبوا» سرمربی تیم زیر ۲۱ سال این کشور دهد.

جوانگرایی یعنی این، ژاپنی‌ها قرار نیست یک‌سال معطل بمانند و بعد برنامه‌های خود را اجرا کنند. قرار نیست با تعویق جام ملت‌ها پیشرفت فوتبال ژاپن هم یک‌سال به عقب بیفتد. آنها در مسیر این پیشرفت با هیچ کس شوخی ندارند و برنامه‌هایشان را به موقع و درست اجرا می‌کنند. طبیعی است که در راه اجرای این برنامه‌ها حتی مربی موفقی چون «موریاسو» هم به راحتی کنار گذاشته می‌شود، چون مهم موفقیت فوتبال ژاپن است نه موفقیت آدم‌ها، این آدم‌ها هستند که در کنار نام ژاپن معنی و مفهوم پیدا می‌کنند. به همین خاطر هم است که فوتبال روبه‌جلوی سامورایی‌ها حتی اگر در مقاطعی نتیجه مطلوب را هم کسب نکند هیچ‌گاه از حرکت باز نمی‌ماند.

حالا از شرق قاره آسیا سفر کنیم به غرب قاره کهن، همین کشور عزیز خودمان ایران و فوتبالی که نزدیک دو دهه است منتظر جوانگرایی مانده و درجا می‌زند. فوتبالی که برخلاف ژاپن آدم‌هایی آن مهم‌تر از اصل هستند. حتی اگر ناموفق باشند و حتی اگر حضورشان کوچک‌ترین دستاوردی نداشته باشد. اینجا هم طبیعی است، اما برخلاف ژاپن که پیشرفت امری طبیعی محسوب می‌شود اینجا شکست و عقبگرد طبیعی است چون همه چیز فدای آدم‌های شکست‌خورده و سیاست‌های مدیران شکست‌خورده می‌شود.

فوتبال ایران اسیر مدیرانی شکست‌خورده با سیاست‌های نخ‌نما شده و شعارزده است که دلخوش به موفقیت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت تنها به دنبال مطامع خودشان هستند. در این راه آدم‌هایی هم هستند که باید این سیاست‌های شکست‌خورده را تا مرحله نابودی کامل فوتبال ایران پیش ببرند پس در کنار مدیران ناموفقی حضور دارند تا نتیجه مطلوبشان حاصل شود و جیب‌هایشان پر پول اصلاً هم مهم نیست که چه بلایی سر فوتبال ایران می‌آید. گفتیم که آدم‌ها در این فوتبال مهم‌تر از خود فوتبال و حتی ایران هستند.

جام ملت‌های آسیا یک‌سال به تعویق افتاد. امیر قلعه‌نویی هم قرار بود مثل موریاسو تا پایان جام ملت‌ها سرمربی باشد، اما مهدی تاج آمد و گفت ژنرال تاجام ملت‌ها روی نیمکت باقی می‌ماند و این یعنی یک‌سال در جا زدن و حرکت با همان دست‌فرمان سابق، بدون تعارف بگوییم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. هیچ تغییری صورت نخواهد گرفت. مگر آنکه یکی از این جماعت خودش به این نتیجه برسد که دیگر وقت رفتن است و الا اوضاع به همین منوال پیش خواهد رفت. یک‌سال که سهل است اگر جام ملت‌ها باز هم به تعویق بیفتد مهدی تاج باز هم می‌آید و با همان ادبیات نخ‌نما شده همه چیز را ابقا می‌کند.

با این تفاسیر حالا راحت می‌توان متوجه شد که چرا فوتبالی مانند فوتبال ژاپن هیچ‌گاه از مسیر پیشرفت و حرکت رو به جلو باز نمی‌ایستد و برخلاف آن چرا فوتبالی مانند فوتبال ایران هیچ‌گاه به درستی در مسیر پیشرفت و توسعه قرار نمی‌گیرد. مهم است، خیلی هم مهم است که چه کسانی برای فوتبال یک کشور برنامه‌ریزی کنند و چگونه بخواهند برنامه خود را پیش ببرند. مهم است که این آدم‌ها خودشان را فدای فوتبال کشور کنند درست مثل ژاپنی‌ها، نه مثل آدم‌های فوتبال ما که فوتبال ایران را فدای وجود سراسر ضرر و زیانشان برای کشور کرده‌اند.

گزارش
دنیا حیدری

تعویق جام ملت‌ها فقط روزشمار تقویم نیست

فرصت نشان دادن شناسنامه به سی و چند ساله‌های تیم‌ملی!

تعویق یک‌ساله جام ملت‌های آسیا در نگاه نخست، اتفاقی خارج از برنامه است و شاید حتی ناخوشایند. برای تیم‌ملی فوتبال ایران، اما این تصمیم چیزی فراتر از یک تغییر در تقویم مسابقات است، چراکه زمان بیشتری در اختیار فوتبال ایران قرار داده است. زمانی که می‌تواند صرفاً به روزشماری برای رسیدن به مسابقات بعدی بگذرد یا به فرصتی تبدیل شود برای ساختن تیمی تازه. تیم ملی فوتبال ایران پس از حضور در جام جهانی، باید خود را برای رقابت‌های مهم قاره‌ای آماده می‌کرد. مسابقاتی که مسائل ژئوپلیتیک منطقه زمان برگزاری آن را تقریباً به یک‌سال آینده موکول کرد. تغییری که فرصتی کم‌نظیر است برای تیم‌ملی ایران جهت بازنگری در ترکیب خود و بازسازی اساسی آن با فرصت‌دادن به نسل جوان و جدید. صد البته که بعد از پایان کار ایران در جام جهانی، زمزمه‌هایی در خصوص لزوم جوانگرایی در تیم ملی شد، اما بسیاری بر این باور بودند که جام ملت‌های آسیا زمان مناسبی برای ایجاد این تغییرات و همچنین آزمون و خطای استفاده از نسل جوان نیست. حال تعویق یک‌ساله مسابقات جام ملت‌های آسیا این فرصت را در اختیار فوتبال ایران گذاشته تا نیاز خود در این زمینه را برآورده کند.

تیم ملی فوتبال ایران تا همین دو هفته پیش به آماده‌سازی برای عبور از سد چین، قرقیزستان و سوریه در مرحله گروهی می‌اندیشید برای راهیابی به مرحله بعد. طی چند روز شرایط به طور کلی تغییر کرد، به‌طوری که حالا کادر فنی تیم‌ملی این فرصت را دارد که به ایجاد یک دگرگونی قابل توجه در ترکیب تیم‌ملی بیندیشد. البته به شرط داشتن یک برنامه حساب‌شده و اصولی، چراکه تعویق مسابقات به خودی خود نمی‌تواند اتفاقاً چندان مهمی باشد، مگر آنکه فکر و ایده‌ای جهت استفاده بهینه از این فرصت بادآورده باشد. تصمیمی درست و منطقی که می‌تواند از یک اتفاق خارج از اختیار، فرصتی بسازد برای پیشرفت و ایجاد تغییراتی اساسی و زیربنایی.

مجید جلالی در مواجهه با خبر تعویق یک‌ساله جام ملت‌های آسیا واکنشی نشان داد که بی‌تردید حرف دل بسیاری بود. او صراحتاً گفت از شنیدن تصمیم AFC به شدت ذوق‌زده شده است، چراکه این اتفاق برای فوتبال ایران بسیار حیاتی و ضروری بود: «اکنون یک‌سال زمان داریم تا بسیاری از کارهایی را که باید انجام داده و پیش ببریم، اما نباید تمام برنامه‌های خود را روی موفقیت در یک دوره جام ملت‌ها قفل کنیم، بلکه باید دنبال ساخت تیمی باشیم برای رسیدن به اهداف به مراتب بزرگ‌تر. تیمی برای جام جهانی آینده.»

این درواقع همان نگاهی است که باید مبنای برنامه‌ریزی برای تیم‌ملی قرار گیرد. بی‌هیچ شک و تردیدی قهرمانی در جام ملت‌های آسیا مهم است و حائز اهمیت، اما نه به بهای نادیده گرفته شدن آینده فوتبال ایران. آینده‌ای که در همین یک‌سال بادآورده می‌توان بنای کسب موفقیت در آن را گذاشت. خصوصاً که تجربه ثابت کرده موفقیت‌های مقطعی و بدون پشتوانه و همچنین تداوم برنامه، به پیشرفت پایدار و مستمر ختم نمی‌شود. به همین دلیل جام ملت‌های پیش‌رو را می‌توان بخشی از مسیر آماده‌سازی برای مسابقاتی چون جام جهانی بعدی دانست، نه صرفاً یک مقصد نهایی.

یک سال تعویق جام ملت‌ها، یعنی چیزی حدود ۳۸۰ روز فرصت جهت شناسایی استعدادها و به‌کارگیری آنها در اردوهای تمرینی و دیدارهای تدارکاتی برای تزریق به ترکیب نهایی. البته به شرط آنکه کماکان السابق با دعوت کردن از چند مهره جوان و کم‌سن‌وسال دنبال اجرای شو و نمایش نباشیم و به راستی از این فرصت پیش‌آمده جهت تغییر نسل یا حداقل جوانگرایی استفاده کنیم. خصوصاً که با در نظر گرفتن فاکتور سن و افت توان بدنی برخی بازیکنان سرشناس، پرواضح است که بسیاری از ملی‌پوشان فعلی دیر یا زود باید غزل خداحافظی از تیم‌ملی را بخوانند، چراکه با توجه به شرایط سنی و بدنی که دارند دیگر نمی‌توانند جایی در برنامه‌های بلندمدت تیم‌ملی داشته باشند. هرچند که بسیاری بر این باورند که تغییر نسل به معنای جایگزین کردن چند بازیکن جوان به جای مسن‌ترها نیست و در کنار این تغییرات باید ساختار حرکتی و تاکتیکی تیم نیز با ایده‌های نوین جایگزین شوند تا شرایط جهت شکوفایی یک نسل تازه، با بینشی تاکتیکی و متناسب با فوتبال روز دنیا مهیا شود. بی‌تردید جوانگرایی به معنای کنار گذاشتن یک‌باره تمامی بازیکنان باتجربه نیست. زیرا تیمی که قصد حضور در تورنمنت فشرده و سطح بالایی چون جام ملت‌های آسیا را دارد نمی‌تواند صرفاً با مشتی جوان راهی میدان شود و بی‌شک به حضور بازیکنان باتجربه جهت مدیریت بازی نیز احتیاج دارد. مسئله حائز اهمیت، ایجاد تعادل میان تجربه و جوانی است، یعنی نه اصرار به حفظ تمام نفرات قدیمی و نه ایجاد تغییرات شتاب‌زده و بدون پشتوانه و برنامه! در واقع داشتن یک یا دو گزینه مطمئن در هر پست حداقل برای حضور در مسابقاتی چون جام ملت‌های آسیا ضروری است، چراکه لازمه ساخت یک ترکیب قدر، داشتن یک نیمکت قدرتمند است.

آنچه این روزها اهمیت تعویق یک‌ساله جام ملت‌های آسیا را برای فوتبال ایران دوچندان کرده این است که نفرات جوان در صورت دعوت شدن به تیم ملی، این فرصت را دارند که توانایی‌های خود را به معرض نمایش بگذارند تا صرفاً یک تعویض اضطراری نباشند و کادر فنی بتواند روی آنها حساب کند. بدون شک، اما بازیکنان جوان جهت جاافتادن در ترکیب تیم نیازمند فرصت هستند. فرصتی که می‌تواند در اردوهای تمرینی و بازی‌های تدارکاتی ایجاد شود. چراکه هر بازیکن در باشگاه خود با تاکتیک مشخصی بازی می‌کند و برای جاافتادن در ترکیب و فراگیری تاکتیک تیمی جدید نیازمند حضور در اردوهای تمرینی و بازی‌های تدارکاتی است. در واقع جوانگرایی و تغییر نسل بدون برگزاری هدفمند اردوها و بازی‌های تدارکاتی شدنی نیست.

تیم ملی شاید بتواند در طول یک‌سال پیش رو با امیر قلعه‌نویی سر کند، اما کنار آمدن با نسلی که با توجه به تغییرات ایجاد شده در زمان برگزاری جام ملت‌های آسیا قرار است یک‌سال دیگر پیرتر شوند شدنی نیست. خصوصاً که بسیاری از مهره‌های تیم‌ملی در حال ورود به میانه دهه چهارم زندگی خود قرار دارند. برای نمونه، براساس برآورد سنی بازیکنان اصلی فعلی، علیرضا بیرانوند در آن مقطع ۳۵ ساله، شجاع خلیل‌زاده ۳۸ ساله، محمدحسین کنعانی‌زادگان ۳۳ ساله و احسان حاج‌صفی ۳۷ ساله خواهند بود. مهدی طارمی نیز به ۳۵ سالگی می‌رسد و علیرضا جهانبخش ۳۴ ساله خواهد شد. در خط میانی نیز سعید عزت‌اللهی ۳۱ ساله، سامان قدوس ۳۴ ساله و روزبه چشمی ۳۴ ساله خواهند بود. در خط دروازه علاوه بر بیرانوند، سیدحسین حسینی ۳۵ ساله و پیام نیازمند ۳۲ ساله می‌شوند. میلاد محمدی نیز در آن مقطع ۳۴ سال خواهد داشت، یعنی با یک نگاه گذرا و حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که سال آینده در زمان برگزاری جام ملت‌های آسیا، ۱۳ بازیکن تیم‌ملی که اتفاقاً جزو مهره‌های اصلی هم هستند، حدوداً ۳۴ ساله می‌شوند. صدالبته که این آمار به تنهایی معیار کافی برای سنجش کیفیت یک تیم نیست، اما ضرورت توجه به آینده تیم‌ملی و ترکیب آن را به رخ می‌کشد.

فوتبال ایران بازیکن جوان و صدالبته مستعد و با استعداد کم ندارد. ظرفیتی که در ناگویا باوجود حذف شاگردان حسین عبدی به وضوح به چشم آمد. نفراتی چون محمد خلیفه، امین حزباوی، دانیال ایری، امیرمحمد رزاقی‌نیا، اسماعیل قلی‌زاده، سعید سحرخیزان، کسری طاهری، رضا غندی‌پور، مبین دهقان، ابوالفضل کوهی و... که در ماه‌های اخیر می‌توانند به تناوب به ترکیب بزرگسالان اضافه شوند. البته به شرط آنکه برنامه حساب‌شده‌ای جهت اضافه شدن آنها به جمع بزرگسالان ریخته شود، چراکه تغییر نسل زمانی معنا پیدا می‌کند که با افزایش کیفیت و تنوع گزینه‌های تغییر روبه‌رو باشد. برای مثال تیم‌ملی در خط دفاع به بازیکنانی نیاز دارد که علاوه بر قدرت، در نبردهای تن به تن و مستقیم نیز موفق عمل کرده و در عین حال سرعت و توانایی لازم جهت پوشش فضای پشت مدافعان برخوردار باشند. یا همچنین در خط میانی، توانایی چرخش، بازپس‌گیری توپ و انتقال سریع آن از دفاع به حمله را داشته باشند و در خط جلو نیز در انجام حرکات بدون توپ، قدرت نفوذ، سرعت و تمام‌کنندگی حرفی برای گفتن داشته باشند، اما بی‌تردید این ویژگی‌ها را نمی‌توان صرفاً با تماشای بازی‌های لیگ مشاهده کرد یا سنجید. این‌جاست که اهمیت برگزاری بازی‌ها و اردوهای تدارکاتی مشخص می‌شود. بازیکنی که در باشگاه خود در یک ساختار مشخص بازی می‌کند، باید فرصت پیدا کند در سیستم تیم‌ملی نیز وظایف متفاوتی را تجربه کند. به همین دلیل، اردوهای منظم و هدفمند اهمیت زیادی پیدا می‌کنند. هر اردو باید بخشی از برنامه فنی تیم باشد. از هماهنگی خطوط و تمرین ساختار دفاعی گرفته تا نحوه پرس از جلو، خروج از فشار حریف و انتقال سریع در لحظه از دست دادن توپ.

یک‌سال، فرصت خوبی است برای ساختن نسلی تازه در تیم ملی. در واقع یک سال فرصت داریم تا استعدادهای درخشان لیگ را که طی هفته‌های گذشته خودی نشان داده‌اند شناسایی کنیم، اردوهای منظم و هدفمند و همچنین بازی‌های تدارکاتی قابل قبول برگزار کنیم تا بازیکنان جوان و جدید در ساختار تیم جا افتاده و با خواسته‌های تاکتیکی کادر فنی هماهنگ شوند و از همه مهم‌تر به این جوان‌ترها و تازه‌واردها فرصت واقعی دهیم. همچنین در پی تدارک بازی‌های دوستانه با کیفیت و متناسب با نیاز فنی تیم باشیم نه صرفاً مسابقاتی جهت پر کردن تقویم.

